

تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی: یک مطالعه فراتحلیل کیفی

کوثر دهدست*^۱ / شهاب قبادی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۸

تاریخ ارسال: ۹۸/۸/۲۴

چکیده

هدف: خانواده در ایران در چند دهه اخیر به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر نوسازی در معرض چالش‌های عمده‌ای قرار گرفته است. از این منظر هدف اصلی این پژوهش تبیین شاخص‌های گسست در خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی است. روش: به این منظور به شیوه فراتحلیل کیفی و با بهره‌گیری از تکنیک کدگذاری در پژوهش کیفی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی، نتایج تحقیقات گذشته با هدف تبیین شاخص‌های گسست در خانواده‌ی ایرانی در قالب جدید با استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، از طریق مرور تمام منابع و پژوهش‌هایی که در زمینه مصداق‌های ایجاد گسست در خانواده با کلیدواژه‌های «طلاق»، «طلاق عاطفی»، «خیانت خانوادگی» و «اختلافات و تعارضات خانوادگی» در بانک‌های اطلاعاتی داخل کشور شامل sid، ensani.magiran.noormags در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۷ موجود بوده، تبیین شد. یافته‌ها: پس از تحلیل اطلاعات، ۶۶ شناسه آزاد شناسایی شد که کدهای محوری و نظری حاصل از آن نشان می‌داد «اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده» متأثر از عوامل سطح کلان «تغییرات ساختاری»، «تغییرات ارزشی» و «تغییرات معنایی» و عوامل سطح خرد شامل «عدم صلاحیت‌های پیش از ازدواج» و «عدم مهارت‌های پس از ازدواج»، زمینه‌ساز کاهش استحکام خانواده ایرانی شده است. در این میان تسهیل‌کننده این فرایند، «عدم آگاهی خانواده‌ها پیرامون قدرت گفتمان‌های غالب در خلق تجارب

dehdast92@gmail.com

۱- * دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی.

gh_sh121@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توان بخشی دانشگاه علامه طباطبائی.

جدید ارزشی، معنایی و ساختاری" بوده است. نتیجه‌گیری: یافته‌ها بیانگر آن‌اند که به‌منظور ایجاد پایداری و استحکام در خانواده ایرانی، باید به رویکرد درمانی و تربیتی متوسل شد که هم‌زمان علاوه بر توجه به پویایی‌های فردی و بین فردی زوجین، رفتار آن‌ها را در زمینه تغییرات ارزشی و معنایی ایجاد شده در اجتماع و گفتمان‌های دربرگیرنده خانواده‌ها نیز بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: نوسازی، پایداری خانواده، گفتمان‌سازی، طلاق، خیانت.

مقدمه

خانواده به‌عنوان یک نظام اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از پیوند زناشویی زن و مرد شکل گرفته و از طریق تولیدمثل و پرورش فرزندان تداوم میابد (ادالتی و ردزوان^۱، ۲۰۱۰) رویداد ازدواج ورود به مرحله جدیدی از زندگی بوده و در همه جوامع رسمی مهم تلقی می‌شود (ماداتیل و بنشوف^۲، ۲۰۰۸) که بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را نیز در برمی‌گیرد و هدف از شکل‌گیری آن رسیدن به آرامش، مودت و رحمت برای زن و مرد است.^۳

مطالعات نشان می‌دهد بیش از ۸۵ درصد مردم زیر سن ۵۰ سال جهان در همه کشورها، فرهنگ‌ها و مذاهب ازدواج می‌کنند (بخش اجتماعی - اقتصادی مربوط به جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد^۴، ۲۰۰۳) و تمایل به داشتن یک ازدواج طولانی‌مدت، پایدار و با کیفیت، همراه با رضایت زناشویی بالا در همه آن‌ها وجود دارد. ولی ازدواج یک زن و مرد همیشه آن‌گونه که آن‌ها قبل از ازدواج انتظار دارند، پیش نمی‌رود و در بسیاری مواقع قرار گرفتن آن‌ها کنار یکدیگر زمینه بروز تعارضات و اختلافات زناشویی را فراهم می‌کند به‌گونه‌ای که با مرور زمان احساسات مثبت و رضایت زناشویی که در اکثر ازدواج‌ها در اوایل زندگی وجود داشته است، رو به کاهش رفته (لاونر و برادبری^۵، ۲۰۱۰) و برخوردهای آزاردهنده، دعوا، درگیری و تعارض و در نهایت ناخشنودی زناشویی جای خود را به صمیمیت، آرامش و رضایت از زندگی می‌دهد و استحکام و پایداری خانواده به‌وسیله طلاق، جدایی و خیانت زناشویی مورد تهدید واقع می‌شود.

1. Edalati, A & Redzuaun, M

2. Madathil, J & Benschhoff, J

۳. سوره روم آیه ۲۱

4. United Nations Economic & Social affairs population division

5. Lavner, J.A & Bradbury, T.N

بررسی ادبیات پژوهش پیرامون مفهوم ثبات و پایداری نظام خانواده نشان می‌دهد که ماهیت این موضوع امری میان‌رشته‌ای بوده و تحت تأثیر علل بسیاری از جمله عوامل جامعه‌شناختی، مردم‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مورد تبیین قرار می‌گیرد. در این زمینه نظریه سیستمی بیان می‌کند خانواده مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که با محیط رابطه برقرار کرده و مانند سیستمی ارگانیک در مقابل فشارهای خارجی در صدد حفظ تعادل حیاتی خود است. در این حالت پدیدایی نشانه یعنی تعارضات و اختلافات در روابط زوجی و خانوادگی در حکم علامتی دال بر عدم تعادل یا بدکاری خانواده است. در این رویکرد، درک و تحلیل خانواده نیازمند شناخت مناسبات افراد در درون خانواده است به طوری که در ارتباط با سایر اعضا مورد درک و بررسی قرار می‌گیرد (زمانیان، ۱۳۸۷: ۲۵).

نظریه کارکردگرایی نیز نهادهای مختلف از جمله خانواده را بر اساس کارکردی که در کل نظام اجتماعی دارند، مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ که اگر به دلایل مختلف، شیوه‌های جایگزینی باعث تغییر کارکردی یک نهاد شود، می‌توان به تبیینی کارکردی دست یافت که بر اساس آن ثبات و استحکام زندگی زوجین در گرو تداوم کارکردهای فردی و اجتماعی آن و یا تغییر کارکردهای آن به شکل جایگزین شدن کارکردهای جدید به جای کارکردهای پیشین است. این امر بدین معناست در صورتی که کارکردی از خانواده حذف شده و تغییر کارکردی مناسبی جایگزین آن نشود، باعث بروز و ایجاد بی‌ثباتی در خانواده و روابط زوجین و کاهش کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود (بستان، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

در مقابل نظریه آنومی دورکیم به شیوه نگاه دیگری به این مسئله پرداخته و بیان می‌کند در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به شرایط دیگر هستند، مشکلاتی به وجود می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پابندی به سنت‌های پیشین است. در

این حالت شرایط آنومی^۱ به معنای فقدان هنجار به دلیل عدم اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوهای رفتاری مناسب برای افراد پدید می‌آید که باعث برهم خوردن تعادل و نظم پیشین جامعه در چنین شرایط گذار و دگرگونی می‌شود؛ که پیامد آن بروز آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و خودکشی خواهد بود که البته علل مختلفی در کار است. بعضی از این علل بومی است و اختصاص به همان ناحیه دارد ولی برخی دیگر تعمیم یافته است که در پی تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت تغییر انتظارات و توقعات رخ می‌دهد. به این ترتیب که این شرایط دگرگونی و گذار منجر به کم رنگ شدن تدریجی ضوابط اخلاقی شده و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. در این زمان بسیاری از انسان‌ها دچار سردرگمی پیرامون قواعد و ارزش‌ها شده و همین ازهم‌پاشیدگی ارزش‌ها، هنجارها و آنومی وضعیتی ایجاد می‌کند که نتیجه آن آرزوها و امیال بی‌حد و حصر و روبه فزونی است و لذا نارضایتی و ازهم‌پاشیدگی خانواده ظهور می‌کند (زمانیان، ۱۳۸۷: ۵۸) و این بدین معناست که به دلیل پیوستگی نهاد خانواده با حیات اجتماعی، تغییر و تحولات جامعه موجب تغییر در نوع ساختار و کارکردهای آن می‌گردد که باید به آن توجه کرد (اسلام زاده، اسمعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶).

چنانچه در دهه‌های اخیر کشورهای جهان به صورت گسترده‌ای تحت تأثیر تحولات اجتماعی زیادی قرار گرفته است که به طور طبیعی این اتفاقات و پدیده‌های جدید، باعث ایجاد تحول در نظام خانواده شده است. یکی از این تحولات، نوسازی یا مدرنیته^۲ بوده که بر مشخصه‌هایی نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، بهداشت مدرن، تکنولوژی، رسانه‌های ارتباطی، حمل و نقل و ارتباطات تأکید کرده و تبیین می‌کند که با ورود این

1. Anomic

2. Modernization

عناصر به هر جامعه سنتی چگونه تغییرات و دگرگونی‌های ساختاری، کارکردی و ارزشی به وجود می‌آید (گیدنز^۱، ۱۹۹۰).

آنتونی گیدنز در طی دهه ۹۰ میلادی نظریه نوسازی یا مدرنیته خود را بر اساس تأثیرات تحولات عصر کنونی به‌ویژه جهانی‌شدن^۲ بر زندگی افراد بیان کرد. او جهانی‌شدن را به‌عنوان پدیده‌ای فراگیر و تأثیرگذار دانست که حاصل موج عظیمی از تغییرات و تحولاتی است که ساختارهای سنتی، بومی، ملی و هویتی تمام جوامع بشری را با چالش مواجه کرده است (گیدنز، ۱۹۹۰).

از نظر گود^۳ (۱۹۶۳) نظریه پرداز و جامعه‌شناس، فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار خانواده و توسعه خانواده‌های اروپایی در جهان از طریق ایجاد دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان شده که همین امر زمینه ایجاد دگرگونی‌های ایدئولوژیکی در سطح کلان نیز گردیده است؛ و نتیجه آن انطباق اجباری سازمان‌های سطوح خرد نظیر خانواده، با این تغییرات سطح کلان بوده و باعث به وجود آمدن تغییرات زیادی در آن شده است. در این زمینه گیدنز نیز جهانی‌شدن را با دو روی سفید و سیاه^۴ توضیح داد. روی سیاه این پدیده، تهدیدی است که مردم جهان با آن مواجه هستند و روی سفید آن، فرصت‌هایی است که جهانی‌شدن برای انسان‌ها به ارمغان آورده است. یکی از ابعاد متأثر از این پدیده، روابط بین شخصی است که در سایه این تحولات اشکال جدیدی از روابط شخصی، دوستانه و صمیمانه به وجود آمده است. این روابط در دوران سنتی بر اساس ارزش‌های خاص آن دوران مثل وفاداری، اخلاص، تعهد، مرزهای مشخص و مانند آن استوار بود اما در دوران ما بعد سنت، تحت تأثیر فرایند نوسازی و مدرنیته، این روابط متأثر از ارزش‌های فراستی قرار گرفت (گیدنز، ۱۹۹۰) که در آن تغییر برخی عناصر

-
1. Gidens, A
 2. Globalization
 3. Good, J
 4. Dark Side & White Side

خانواده مانند نوع و ساختار قدرت، نگرش به ازدواج و طلاق و رفتار فرزندآوری، تحت تأثیر جهانی‌شدن و مدرنیته در جهان تغییرات فراوانی کرد (تورن^۱، ۲۰۰۳).

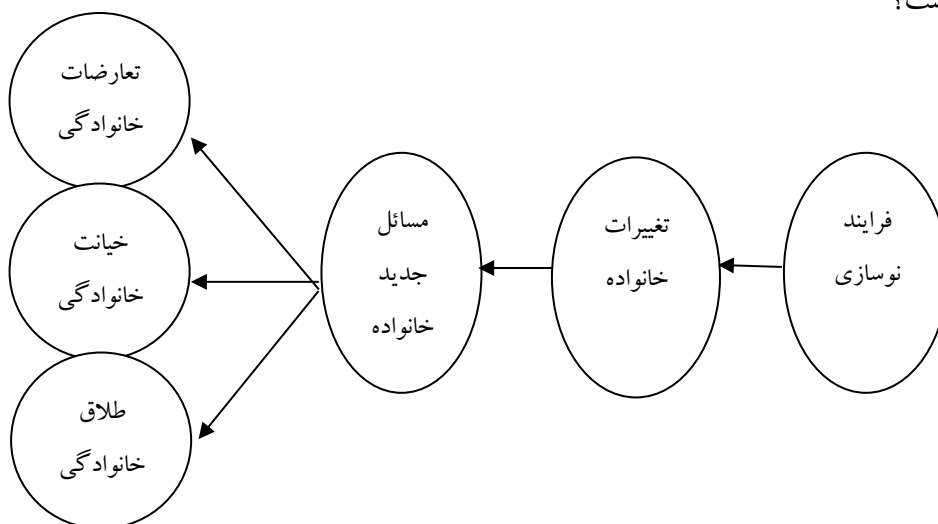
اگرچه گاهی به علت تفاوت‌های بین فرهنگی، این تغییرات دارای ماهیت نسبتاً متفاوتی با یکدیگر است، ولی در ایران نیز در چند دهه اخیر نهاد خانواده به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه نوسازی و تغییرات فرهنگی متأثر از آن، دستخوش تغییرات زیادی شده؛ و خانواده ایرانی را در معرض مسائل و چالش‌های عمده‌ای نظیر تغییر نگرش نسبت به طلاق و افزایش نرخ آن، تأخیر در سن ازدواج، کم شدن تمایل به ازدواج در میان جوانان، ایجاد اختلافات خانوادگی و کم‌تعهدی زناشویی قرار داده است (زاهدی، ناییبی، دانش و نازک تبار، ۱۳۹۲).

بنابراین از آنجا که شکل‌گیری نهاد خانواده و عوامل مؤثر بر استحکام و فروپاشی آن تحت تأثیر عوامل بومی و فرهنگی در هر کشوری است، در این تحقیق درصدد آن هستیم که مبتنی بر الگوی تحقیقی که زاهدی و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه رابطه فرایند نوسازی با ظهور مسائل جدید در خانواده ارائه دادند (شکل ۱)؛ به بررسی فرایند و چگونگی نحوه اثرگذاری تحولات حاصل از نوسازی بر نهاد خانواده بپردازیم.

زاهدی، ناییبی، دانش و نازک تبار (۱۳۹۳) در پژوهشی که در این زمینه با عنوان فرایند نوسازی و ظهور مسائل جدید در خانواده انجام دادند، به تبیین الگویی در این زمینه پرداخته و نشان دادند که فرایند نوسازی در بین ساکنان نقاط شهری باعث ایجاد تغییرات در خانواده و ظهور مسائل جدید در آن شامل طلاق، خیانت خانوادگی و اختلافات خانوادگی شده است. ولی علی‌رغم چنین تحقیقات انجام شده‌ای در زمینه تغییرات به وجود آمده در خانواده متأثر از عوامل کلان اجتماعی و فرهنگی به صورت عام و نوسازی

و مدرنیته به صورت خاص، پژوهشی در زمینه فرایند و نحوه اثرگذاری این تحولات بر خانواده صورت نگرفته است.

براین اساس هدف پژوهش حاضر تبیین شاخص‌های گسست و متزلزل کننده پایداری خانواده ایرانی متأثر از فرایند نوسازی است. اینکه تغییرات ایجاد شده در بستر مدرنیته، چگونه زمینه‌ساز رشد و افزایش روزافزون مصداق‌های گسست در خانواده شامل طلاق، خیانت خانوادگی و اختلافات خانوادگی و به تبع، کم شدن استحکام و پایداری آن شده است؟



شکل ۱- رابطه فرایند نوسازی با ظهور مسائل جدید در خانواده ایرانی مبتنی بر تحقیق زاهدی و

همکاران (۱۳۹۳)

روش تحقیق

روش اصلی در این تحقیق مطالعه اسنادی از نوع فراترکیب یا فراتحلیل کیفی است که هدف از آن کاربرد نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در عمل می‌باشد. به این منظور تجزیه و تحلیل نتایج یافته‌های تحقیقات اولیه در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد تا از طریق تحلیل اولیه و مقدماتی، به تحلیل مجددی از داده‌ها رسیده و به کمک تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده قبلی، نتایجی به دست آید که اطلاعات اولیه آن‌ها را اغلب نشان نداده و یک دید کلی از موضوع مورد مطالعه به دست می‌دهد.

بر این اساس در این پژوهش به شیوه فراتحلیل کیفی و با بهره‌گیری از تکنیک کدگذاری در پژوهش کیفی، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی، نتایج تحقیقات گذشته باهدف تبیین شاخص‌های گسست در خانواده‌ی ایرانی در قالب جدید با استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی تبیین شد.

بدین منظور در مرحله اول مرور تمام منابع و پژوهش‌هایی که در زمینه مصداق‌های ایجاد گسست در خانواده با کلیدواژه‌های «طلاق»، «طلاق عاطفی»، «خیانت خانوادگی» و «اختلافات و تعارضات خانوادگی» در بانک‌های اطلاعاتی داخل کشور شامل sid، ensani، magiran، noormags در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۷ موجود بوده، صورت گرفت. سپس به ارزیابی کیفی آن‌ها اقدام شد؛ به این ترتیب که جستجو با کلیدواژه‌های مذکور مقالات متعددی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌داد که استنتاج از مطالعه اجمالی آن‌ها پیرامون یافته‌های تحقیق برای انتخاب در مطالعه فراتحلیل باید به گونه‌ای می‌بود که حداقل داده‌های آزاد اولیه را درباره عوامل، زمینه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر مصداق‌های گسست را از دو جنبه روان‌شناختی و اجتماعی داشته باشد؛ که پیشروی جستجوها بر اساس این روند، مطالعاتی که یافته‌های مشابه داشت را از فرایند ارزیابی و تحلیل بعدی حذف کرد تا در نهایت ۳۵ مقاله مورد بررسی نهایی به صورت کیفی قرار گرفت.

در مرحله آخر با توجه به اینکه هدف پژوهش، تبیین شاخص‌ها و فرایند گسست در خانواده ایرانی بود، برای تجزیه و تحلیل داده‌های خام اولیه حاصل از پژوهش‌های قبلی، از روش کدگذاری کیفی طی سه مرحله کدگذاری اولیه (آزاد)^۱، کدگذاری محوری^۲ و کدگذاری گزینشی (نظری)^۳ استفاده شد. به این معنی که در اولین گام یعنی کدگذاری اولیه محقق از طریق شناسایی و تفکیک انواع داده‌ها، سعی در متمایز کردن اطلاعات در ظاهر مشابه کرده و با دسته‌بندی و کشف روابط میان آن‌ها، به درک مفاهیم و ارتباطات مقوله‌ها با یکدیگر و فهم شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها اقدام کرد. در این گام داده‌ها از پراکندگی و بی‌نظمی مطلق خارج شده و در مقوله‌های گوناگون دسته‌بندی شدند. در دومین گام و در فرایند کدگذاری محوری، ایجاد ارتباط بین کدها و دسته‌های مختلف صورت گرفت. محقق در این مرحله به دنبال نظم بخشیدن به عناوین و مقولات به دست آمده در کدگذاری باز بود به این شکل که او در این مرحله به هر دسته از عناوین، عنوانی کلی و عام‌تر می‌داد که این انتخاب عنوان کلی، هم بر اساس دریافت محقق و هم مراجعه به دانش پیشین صورت می‌گرفت.

و در نهایت در آخرین گام یعنی کدگذاری گزینشی، محقق با بیان مقولات و دسته‌بندی‌های گوناگون، یک هسته اصلی و مرکزی که همه دسته‌های دیگر را به هم پیوند و ارتباط می‌داد، انتخاب کرد تا "خط اصلی داستان" کشف شود؛ که البته برقراری همه این ارتباط‌ها میان مقوله‌های گوناگون و نتیجه‌گیری‌های بعدی، با "حساسیت تنوریکی" شخصی محقق صورت می‌پذیرفت که این از طریق غوطه‌ور شدن در داده‌ها و معنا دادن به آن‌ها انجام می‌شود و یکی از عوامل اعتباربخشی یافته‌ها نیز است؛ زیرا درگیری پیوسته، طولانی‌مدت و مستمر محقق در فرایند پژوهش زمینه به حداقل رسیدن خطاهای تحقیق را

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Theoretical coding

فراهم کرده و اطلاعات دقیق‌تر و یکپارچه را مبتنی بر ملاک‌های اعتباریابی گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) بیشتر حاصل می‌کند.

علاوه بر این بازبینی توسط متخصصان حوزه خانواده روش اعتباریابی دیگر یافته‌های این تحقیق بود. به این ترتیب که مقوله‌ها و الگوی مفهومی استخراج شده نهایی به ۵ نفر از اساتید و صاحب نظران حوزه خانواده ارائه شد و نظرات آن‌ها برای بررسی اعتبار یافته‌های تحقیق مورد استفاده قرار گرفت؛ و در نهایت مقایسه‌های تحلیلی؛ یعنی رجوع به داده‌های خام از طریق مقایسه و ارزیابی‌های رفت و برگشتی تا ساخت بندی الگوی مفهومی روش اعتباریابی بعدی یافته‌های این پژوهش بود که امکان کدگذاری دقیق را به وجود می‌آورد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات توصیفی مقالات فرا تحلیل شده در جدول شماره ۱ ارائه شده است و یافته‌ها در ادامه در جداول ۲-۶ و شکل ۲ و ۳ نشان داده شده‌اند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی پژوهش‌های فراتحلیل

فراوانی روش تحقیق پژوهش‌ها		فراوانی حوزه علمی پژوهش‌ها		فراوانی توزیع جغرافیایی جامعه پژوهش‌ها		فراوانی بازه زمانی چاپ پژوهش‌ها		فراوانی محتوای قالب پژوهش‌ها	
۲۷	کمی	۱۹	روانشناسی	۱۷	تهران	۹	۱۳۹۱-۱۳۸۹	۱۱	طلاق
۸	کیفی	۹	اجتماعی	۱۶	شهرستان‌ها	۱۲	۱۳۹۴-۱۳۹۲	۸	طلاق عاطفی
-	ترکیبی	۷	بین‌رشته‌ای	۲	ملی	۱۴	۱۳۹۷-۱۳۹۵	۷	خیانت
								۹	تعارضات

نتایج و یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل در فرایند نوسازی زمینه کم شدن استحکام خانواده ایرانی را به وجود آورده است. این عوامل در ۶۶ شناسه آزاد شناسایی شده و کدهای محوری و نظری مفهوم‌پردازی شده حاصل از آن نشان می‌داد "اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده" (ذیل ۶ کد آزاد)، متأثر از نوسازی در دو

سطح کلان و خرد به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز باعث کم شدن استحکام خانواده ایرانی شده است.

عوامل زمینه‌ساز در سطح کلان عبارت‌اند از تغییرات ساختاری زیر شامل "عدم حضور همسر" (ذیل ۴ کد آزاد)، "مشکلات اقتصادی" (ذیل ۲ کد آزاد) و "عدم وجود سرمایه‌های محیطی و حمایتی" (ذیل ۲ کد آزاد)، تغییرات معنایی زیر شامل "تغییر نگرش نسبت به جدایی" (ذیل ۱ کد آزاد) و "تغییر نگرش نسبت به جایگاه و نقش عاطفی و حمایتی زن در خانواده" (ذیل ۱ کد آزاد) و تغییرات ارزشی زیر شامل "کم شدن تعهد اخلاقی و زناشویی" (ذیل ۶ کد آزاد).

و عوامل زمینه‌ساز در سطح خرد شامل دو کد نظری "عدم آگاهی و صلاحیت‌های پیش از ازدواج" (ذیل ۶ کد محوری عدم صلاحیت جسمی و ظاهری، عدم صلاحیت روانی و جنسی، عدم کفویت، عدم بلوغ عاطفی و شخصیتی، عدم بلوغ فکری و شناختی و عدم بلوغ اعتقادی و ایمانی) و "عدم آگاهی و مهارت‌های پس از ازدواج" (ذیل ۵ کد محوری عدم مهارت پاسخ‌گویی عاطفی، عدم مهارت برقراری ارتباط مؤثر بین فردی، عدم مهارت تنظیم هیجان خشم، عدم مهارت حل تعارض و مسئله و عدم مهارت ایجاد ساختار و مرزهای زناشویی) باعث ایجاد گسست و شکل‌گیری مصداق‌های تزلزل در خانواده یعنی تعارضات فزاینده زناشویی، خیانت و بی‌تعهدی زناشویی، طلاق عاطفی و در نهایت طلاق رسمی و فروپاشی خانواده ایرانی گشته‌اند. در این میان تسهیل‌کننده ایجاد فرایند، عدم آگاهی و بینش خانواده پیرامون قدرت‌گفتمان‌های غالب در خلق تجارب جدید ارزشی، معنایی و ساختاری در خانواده بوده است؛ که در ادامه در جداول ۲ و ۳ و شکل ۳ و ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- شناسه‌های آزاد دربرگیرنده فرایند ایجاد گسست و کم شدن پایداری خانواده ایرانی

کدهای آزاد	کدهای آزاد	کدهای آزاد
p۴۷. قابل اطمینان نبودن	p۲۵. ازدواج اجباری	p۱. خلأ عاطفی
p۴۸. دروغ‌گویی	p۲۶. بیماری و اختلالات روانی	p۲. عدم درک و همدلی
p۴۹. عدم بلوغ عاطفی و شخصیتی	(وسواس، افسردگی، اضطراب، سوء ظن، پرخاشگری)	p۳. از بین رفتن عشق و علاقه اولیه
p۵۰. طلاق عاطفی	p۲۷. ازدواج زودهنگام (در سن پایین)	p۴. عدم احساس خوشبختی
p۵۱. عدم توافق در امور مهم زندگی	p۲۸. اختلاف زیاد طبقاتی، اقتصادی، فرهنگی، تحصیلی، سنی و عقیدتی)	p۵. کم شدن صمیمیت و تعاملات جنسی
p۵۲. نازایی و بچه‌دار نشدن	p۲۹. اجازه دخالت دادن (عدم تمایز یافتگی فکری و هیجانی)	p۶. کاهش تعاملات مثبت عاطفی
p۵۳. ناتوانی در بیان نیازها و احساسات	p۳۰. قهر و ترک منزل	p۷. بی‌توجهی
p۵۴. قدرت‌طلبی مرد یا زن	p۳۱. شیفت‌های طولانی مدت و شب	p۸. مشکلات ارتباطی
p۵۵. اعتیاد (الکل، مواد مخدر، قمار)	p۳۲. زندانی بودن	p۹. عدم گذراندن وقت با یکدیگر
از قبل از ازدواج	p۳۳. مأموریت‌های طولانی مدت	p۱۰. رفتارهای خشونت‌آمیز (فیزیکی و کلامی)
p۵۶. فقر	p۳۴. استفاده بیش‌ازحد موبایل و کامپیوتر	p۱۱. نارضایتی جنسی (ناتوانی جنسی و سردمزاجی)
p۵۷. حاشیه‌نشینی	p۳۵. الگوی نامناسب رسانه‌ای	p۱۲. بیماری مزمن
p۵۸. بایدها و الزامات در رابطه و بی‌توجهی به امور مثبت (تحریفات فکری)	p۳۶. دردسترس بودن اغواگران	p۱۳. مشکل در ظاهر همسر
p۵۹. طرح‌واره‌های فکری درباره ویژگی‌های شخصیتی و انگیزه‌ها و احساسات همسر	p۳۷. عدم خودکنترلی در برابر آسیب‌ها و شرایط محیطی	p۱۴. عشق ناکام گذشته
p۶۰. لذت‌طلبی	p۳۸. زندگی در غربت	p۱۵. روابط قبل از ازدواج
p۶۱. بی‌عفتی در زنان و مردان	p۳۹. گرایش و استفاده از ماهواره و فیلم‌های سکسی	p۱۶. احترام نگذاشتن
p۶۲. اعتیاد (الکل، مواد مخدر و قمار)	p۴۰. دخالت اطرافیان (درهم‌تنیدگی‌های زناشویی با خانواده گسترده)	p۱۷. وجود الگوی خیانت
بعد از ازدواج	p۴۱. از بین رفتن قبح طلاق	p۱۸. عاشق شدن
p۶۳. خیانت یا ازدواج مجدد	p۴۲. تغییر نگرش نسبت به جایگاه و ارزش مادری و همسر داری	p۱۹. عدم تحمل فشارهای روانی و راحت‌طلبی
p۶۴. تعارضات شدید و دعوا	p۴۳. اهمیت به خواسته‌های خود بیش از بقیه	p۲۰. عدم انعطاف‌پذیری
p۶۵. کتک‌کاری		p۲۱. تنوع‌طلبی و گرایش‌های جنسی انحرافی
p۶۶. سبک‌دل‌بستگی ناایمن		

p۲۲. رابطه باجنس مخالف	p۴۴. کوتاهی درانجام وظایف و مسئولیت‌ها
p۲۳. روابط آزادخارج ازسیستم	p۴۵. باورها و انتظارات غیرواقع بینانه
(آزادی‌های کاذب)	پیرامون ازدواج و نقش‌های زوجی
p۲۴. دوری از خانواده‌ها	p۴۶. عصبانیت شدید و غیرقابل کنترل

جدول ۳- کدهای محوری و نظری دربرگیرنده فرایند ایجاد اولین عامل زمینه‌ساز گسست در خانواده در سطح خرد

کدهای نظری	کدهای محوری	کدهای آزاد
عدم آگاهی و مهارت‌های پس از ازدواج اولین عامل زمینه‌ساز در سطح خرد باعث کم شدن استحکام و پایداری خانواده ایرانی شده است.	عدم مهارت پاسخ‌گویی عاطفی	p۲. عدم درک و همدلی p۶. کاهش تعاملات مثبت عاطفی p۹. عدم تأمین نیاز به گذراندن وقت با یکدیگر p۱۶. عدم تأمین نیاربه احترام
	عدم مهارت برقراری ارتباطات مؤثر بین فردی	p۸. مشکلات ارتباطی p۵۳. ناتوانی در بیان احساسات و نیازها
	عدم مهارت تنظیم هیجان خشم	p۴۶. عصبانیت شدیدو غیرقابل کنترل
	عدم مهارت حل تعارض و مسئله	p۵۱. عدم توافق در امور مهم زندگی
	عدم مهارت ایجاد ساختار و مرزهای زناشویی	p۵۴. قدرت‌طلبی مرد یا زن p۴۰. دخالت اطرافیان (درهم تنیدگی مرزهای زناشویی با خانواده گسترده) p۳۳. رسیدگی بیش از حد به فرزندان (درهم تنیدگی مرزهای زناشویی با فرزندان) p۲۳. روابط آزادخارج ازسیستم زناشویی (درهم تنیدگی مرزهای زناشویی باسیستم‌های خارجی)

جدول ۴- کدهای محوری و نظری دربرگیرنده فرایند ایجاد دومین عامل زمینه‌ساز گسست در خانواده در سطح خرد

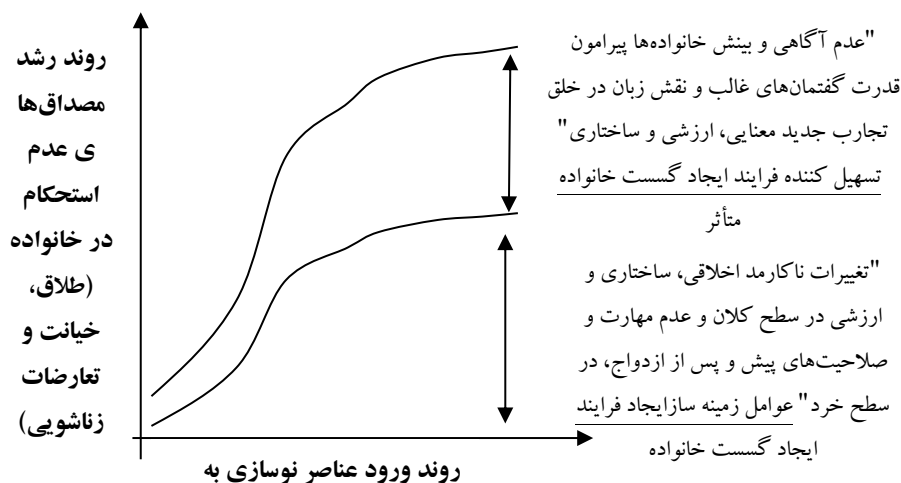
کدهای نظری	کدهای محوری	کدهای آزاد
عدم آگاهی (پیرامون ملاک‌های صحیح انتخاب همسر) و صلاحیت‌های پیش از ازدواج دومین عامل زمینه‌ساز در سطح خرد باعث کم شدن پایداری خانواده ایرانی شده است.	عدم صلاحیت ظاهری و جسمی	p12. بیماری مزمن جسمی _ p13. مشکل در ظاهر همسر p52. نازایی و بچه‌دار نشدن
	عدم صلاحیت روانی و جنسی	p26. بیماری و اختلالات روانی (افسردگی، اضطراب، وسواس، سوءظن داشتن، پرخاشگری) p14. عشق ناکام گذشته _ p15. روابط قبل از ازدواج p11. ناتوانی جنسی و سردمزاجی _ p21. تنوع‌طلبی و گرایش‌های انحرافی p25. ازدواج اجباری _ p27. ازدواج زودهنگام (سن پایین) p55. اعتیاد زوج (قمار، الکل، مواد مخدر) قبل از ازدواج
	عدم کفویت	p28. اختلاف شدید طبقاتی، تحصیلی، سنی، فرهنگی، عقیدتی و اقتصادی
	عدم بلوغ عاطفی و شخصیتی	p19. عدم تحمل فشار روانی و راحت‌طلبی p20. عدم انعطاف‌پذیری p44. کوتاهی در انجام وظایف، مسئولیت‌ها و نقش‌های زوجی p29. اجازه دخالت دادن (عدم تمایز یافتگی فکری و هیجانی) p19. عدم تحمل فشار روانی و راحت‌طلبی p66. سبک‌دل‌بستگی نایمن
	عدم بلوغ فکری و شناختی	p45. باورها و انتظارات غیرواقع بینانه پیرامون ازدواج و نقش‌های زوجی p58. بایدها و الزامات در رابطه، بی‌توجهی به امور مثبت (تحریفات فکری) p59. طرح‌واره فکری درباره انگیزه‌ها، احساسات و ویژگی‌های شخصیتی همسر
	عدم بلوغ اعتقادی و ایمانی	p48. دروغ‌گویی _ p60. لذت‌طلبی _ p21. تنوع‌طلبی و گرایش‌های جنسی انحرافی p61. بی‌عفتی در زنان و مردان _ p23. روابط آزادخارج از سیستم زناشویی (آزادی‌های کاذب)

جدول ۵- کدهای محوری و نظری دربرگیرنده فرایند ایجاد عوامل زمینه‌ساز گسست در خانواده در سطح کلان

کدهای نظری	کدهای محوری	کدهای آزاد
ایجاد تغییرات ناکارآمد ساختاری، ارزشی و معنایی در خانواده‌ها تحت تأثیر عوامل جهانی شدن و نوسازی در جامعه ایران، به‌عنوان شرایط زمینه‌ساز در سطح کلان، باعث کم شدن پایداری خانواده ایرانی شده است.	<p>عدم حضور همسر (تغییرات ناکارآمد ساختاری)</p>	<p>p۳۰. قهر و ترک منزل p۳۱. شیفت طولانی و شب p۳۲. زندانی بودن p۳۴. استفاده بیش از حد از موبایل و کامپیوتر</p>
	<p>مشکلات اقتصادی (تغییرات ناکارآمد ساختاری)</p>	<p>p۵۶. فقر p۵۷. حاشیه‌نشینی</p>
	<p>عدم وجود سرمایه‌های محیطی و حمایتی (تغییرات ناکارآمد ساختاری)</p>	<p>p۲۴. دوری از خانواده‌ها p۳۸. زندگی در غربت</p>
	<p>تغییر نگرش نسبت به جدایی (تغییرات ناکارآمد معنایی)</p>	<p>p۴۱. از بین رفتن قبح طلاق</p>
	<p>تغییر نگرش نسبت به جایگاه و نقش عاطفی و حمایتی زن در خانواده (تغییرات ناکارآمد معنایی)</p>	<p>p۴۲. کم‌رنگ شدن ارزش و جایگاه مادری و همسر داری</p>
	<p>کم شدن تعهد اخلاقی و زناشویی (تغییرات ناکارآمد ارزشی)</p>	<p>p۳۶. دردسترس بودن اغواگران p۳۵. الگوی نامناسب رسانه‌ای p۳۹. دردسترس بودن ماهواره و فیلم‌های سکس p۱۷. وجود الگوی خیانت و جدایی در جامعه p۲۲. رابطه با جنس مخالف (آزادی‌های کاذب) p۳۷. عدم خودکنترلی و خویش‌داری در برابر شرایط و آسیب‌های محیطی</p>

جدول ۶- کدهای محوری و نظری دربرگیرنده پیامد وجود عوامل زمینه‌ساز در سطح کلان و خرد و کم شدن پایداری خانواده ایرانی

کدهای نظری	کدهای محوری	کدهای آزاد
پیامد اولیه و نهایی وجود عوامل زمینه‌ساز در سطح خرد و کلان، در ابتدا ایجاد اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی و در نهایت رشد طلاق، خیانت و تعارضات در روابط بین شخصی و زناشویی خواهد بود.	اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده	<p>p۱. خلأ عاطفی</p> <p>p۳. از بین رفتن عشق و علاقه اولیه</p> <p>p۴. عدم احساس خوشبختی</p> <p>p۵. کم شدن صمیمیت و تعاملات جنسی</p> <p>p۱۰. رفتارهای خشونت‌آمیز (کلامی و غیر کلامی)</p> <p>p۷. بی‌توجهی</p>



شکل ۲- نمودار خط سیر مصداق‌های عدم پایداری در خانواده متأثر از پدیده نوسازی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهایی که به‌عنوان عوامل زمینه‌ساز در سطح خرد ایجاد این فرایند گسست را شکل می‌دهند؛ شامل دو پدیده اصلی "عدم آگاهی و مهارت‌های پس از ازدواج" (ذیل ۵ کد محوری مهارت پاسخ‌گویی عاطفی، مهارت برقراری ارتباطات مؤثر بین فردی، مهارت تنظیم هیجان خشم، مهارت حل تعارض و مسئله و مهارت ایجاد ساختار و مرزهای زناشویی) و "عدم آگاهی و صلاحیت‌های پیش از

ازدواج" (ذیل ۶ کد محوری عدم صلاحیت جسمی و ظاهری، عدم صلاحیت روانی و جنسی، عدم کفویت، عدم بلوغ عاطفی و شخصیتی، عدم بلوغ فکری و شناختی و عدم بلوغ اعتقادی و ایمانی) است.

ولی در سطحی کلان‌تر نیز عواملی وجود دارد که زمینه رشد مصداق‌های گسست در خانواده را به وجود آورده است. به این ترتیب که امروزه خانواده ایرانی متأثر از پدیده‌های اجتماعی گوناگون از جمله نوسازی و مدرنیته و به تبع آن تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی حاصل از آن، شاهد به وجود آمدن اشکال مختلف خانوادگی بوده که در آن "تغییرات ناکارآمد ساختاری" اجتناب‌ناپذیر شده است. کدهای اولیه حاصل از این تحقیق نشان داد در خانواده‌هایی که مرد به هر دلیلی از جمله مقتضیات شغلی تنها در برخی روزهای هفته یا ماه می‌تواند در کنار خانواده باشد؛ زن دچار تعارضات نقشی و ابهام در مسئولیت‌ها و عدم ارضای نیازهای عاطفی و روانی شده که پیامد آن اختلال در کارکردهای اصلی نظام خانوادگی می‌شود. علاوه بر این، تغییر در نقش تعیین‌کنندگی و انحصاری مرد در معیشت خانواده و ورود زنان به عرصه کار و اشتغال عامل دیگری در به وجود آمدن تغییرات ساختاری در نظام خانواده بوده است. تغییرات ایجادشده تحت تأثیر این تحولات ساختاری، تغییر در نقش زن و مادری، نقش‌های پدری و نقش فرزندان بوده است که تعارضات نقشی متأثر از آن بر روی کارکردهای خانواده تأثیرات عمده‌ای گذاشته است.

همچنین در شرایط امروز جامعه، خانواده‌های بدون بهره از سرمایه‌های اجتماعی که حمایت خانواده گسترده یکی از آن‌ها می‌باشد؛ نیز به دلیل تغییرات اجتماعی و اقتصادی رو به افزایش است. چنانچه داده‌های اولیه این تحقیق نشان داد که عدم بهره‌مندی از سرمایه‌های اجتماعی و حمایتی یکی دیگر از عوامل ایجاد اختلال در کارکردهای خانواده هسته‌ای می‌باشد که به تبع تغییر در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه در ساختار خانواده ایجاد شده است.

کد محوری شناسایی شده بعدی در این پژوهش تحت عنوان "تغییرات ناکارآمد معنایی" که زمینه کم شدن استحکام خانواده ایرانی گشته است، نیز علاوه بر تغییرات ساختاری به گونه‌ای دیگر اختلال در کارکردهای اختصاصی خانواده از جمله کارکرد عاطفی و جنسی را به همراه داشته است.

ارزش‌های فردی، امور و کمال مطلوبی از شیوه‌های بودن و شدن هستند که موردپذیرش فرد یا اجتماع بوده و افراد نسبت به آن متعهد شده و منبعث از نظام‌های ارزشی در سطح کلان‌تر است که از طرق مختلف به لایه‌های زیرین‌تر جامعه تزریق می‌شود و شکل‌دهنده نظام‌های ادراکی، عاطفی و رفتاری اشخاص است. در این میان خانواده به‌عنوان یکی از زیرسیستم‌های با اهمیت و اصلی جامعه از کانون‌های متأثر از تغییرات ارزشی جامعه محسوب شده که در سال‌های اخیر و هم‌زمان با جهانی‌شدن و ورود عناصر مدرنیته به سطح جامعه، دچار تغییر و تحولات گسترده‌ای در اشکال، ساختار و ارزش‌های ذهنی و نظام‌های جاری اعضای آن گشته است. چنانچه یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان داد که "تغییر نگرش نسبت به جدایی و طلاق" و "تغییر نگرش نسبت به نقش و جایگاه عاطفی و حمایتی زن در خانواده" به‌عنوان دو رکن با اهمیت در تغییرات معنایی خانواده محسوب می‌شود که زمینه‌ساز ایجاد گسست در خانواده به‌مرورزمان گشته است.

و درنهایت کد محوری شناسایی شده بعدی که به‌عنوان عامل زمینه‌ساز در سطح کلان باعث رشد مصداق‌های گسست در خانواده گردیده است، "تغییرات ناکارآمد ارزشی" در سطح جامعه است. الگوهای نامناسب رسانه‌ای، در دسترس بودن اغواگران، رواج آزادی‌های کاذب با جنس مخالف در سطح جامعه و عدم یادگیری خویش‌داری در برابر شرایط و آسیب‌های محیطی کدهای اولیه‌ای بودند که در این تحقیق عامل کم شدن تعهد اخلاقی در زندگی زناشویی گشته و به‌مرورزمان با ایجاد اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده زمینه کم شدن استحکام در خانواده می‌گردد.

در این میان عاملی که تسهیل‌گر و سرعت‌بخش این فرایند گسست در خانواده ایرانی شده است؛ به نظر می‌رسد که "عدم آگاهی پیرامون قدرت گفتمان‌های غالب" در خلق تجارب جدید ارزشی، معنایی و حتی ساختاری باشد که عدم آگاهی و پرداختن به آن زمینه تسریع این فرایند گشته است.

نظریه‌های ساخت‌گرایی اجتماعی در این زمینه بیان می‌کنند که عموماً الگوهای قالب عمل در خانواده‌ها نه تنها تحت تأثیر پویایی‌های خاص هر خانواده است، بلکه عوامل اجتماعی بزرگ‌تر نظیر ساختارهای اجتماعی^۱ و ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌هایی که زندگی خانوادگی مخصوصاً روابط بین زنان و مردان را شکل می‌دهند و مجموعه‌ای از اعتقادات و ارزش‌ها و هنجارها و قوانین را در مورد زندگی خانوادگی به نسل بعدی منتقل می‌کنند، نیز تعیین‌کننده می‌باشند (دالاس و دراپر^۲، ۲۰۰۵).

بنابراین با توجه به اینکه همه جوامع انسانی در حال تجربه زندگی در دوران پسامدرن هستند که در آن غلبه عوامل اجتماعی و بسترهای فرهنگی و نقش زبان در شکل‌دهی به کیفیت‌ها و روایت‌های غالب و الگوهای رفتاری در زندگی‌های خانوادگی بسیار برجسته است، لذا بررسی ابعاد بروز گسست در خانواده‌ها در سطح کلان نیز از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود؛ زیرا دگرگونی‌ها و نوسان‌هایی که در رابطه با جهانی‌شدن و نوسازی و تحولات اساسی پس از آن خانواده‌ها را درگیر خود کرده است، قابل چشم‌پوشی نمی‌باشد.

همبستگی پیچیده‌ای از علت‌ها، رابطه‌ها و پیامدهای مصداق‌های گسست در خانواده در این پژوهش نشان داد که بروز و ورود بدون آمادگی عناصر نوسازی به خانواده ایرانی زمینه دگرگونی و تحول و ایجاد تغییرات ناکارآمد ارزشی، معنایی و ساختاری در خانواده‌ها گشته و در عین غیرملموس و ناشناخته بودنشان، امروزه علل زمینه‌ساز شکل‌گیری هسته اصلی از بین رفتن استحکام خانواده ایرانی و ایجاد گسست در آن یعنی

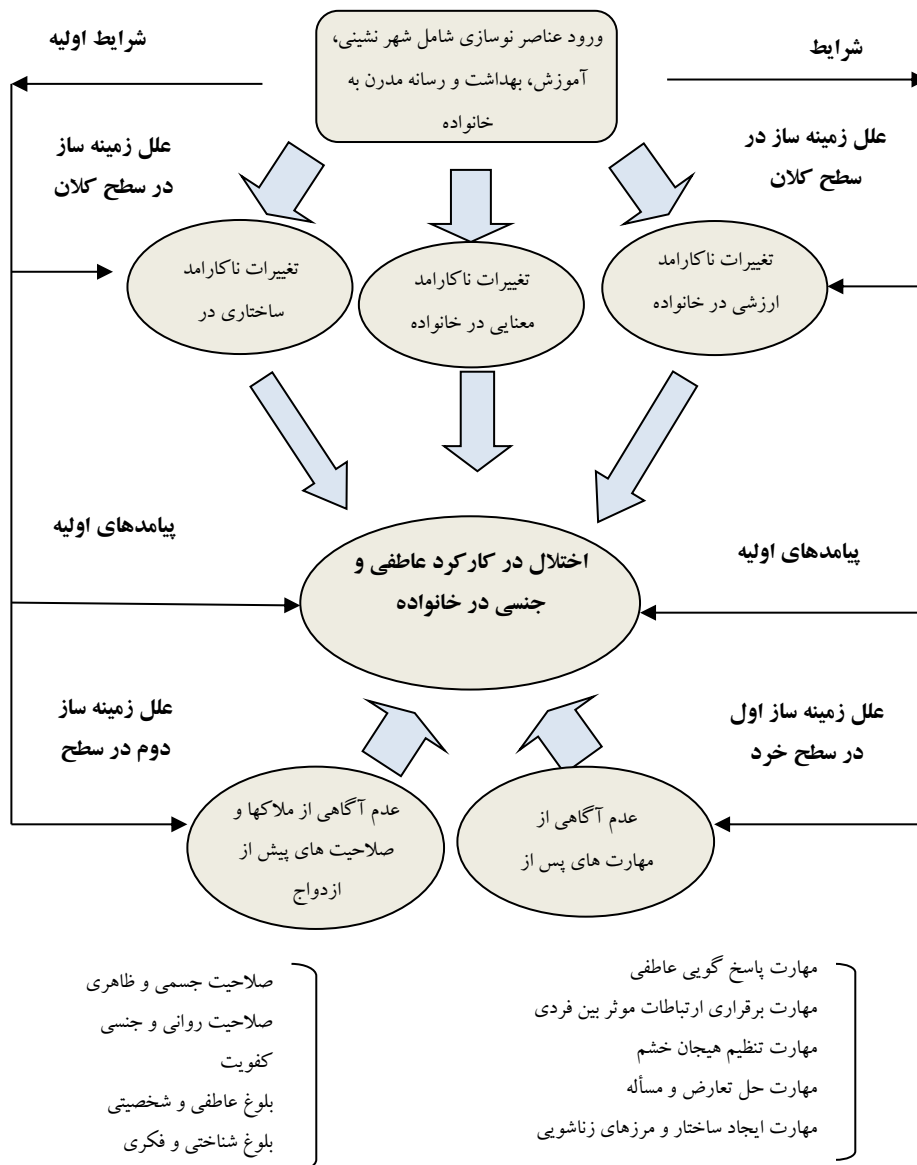
1. Social Structures

2. Dallos, R & Draper, R

"اختلال در کارکرد عاطفی و جنسی خانواده" شده است؛ که البته دو عامل بسیار مهم یعنی "عدم آگاهی از ملاک‌ها و صلاحیت‌های پیش از ازدواج" و "عدم آگاهی از مهارت‌های پس از ازدواج" به‌عنوان عوامل سطح خرد در این فرایند در بروز گسست در خانواده نقش دارند.

در این زمینه نظریه‌هایی مثل سیستمی، منابع، مبادله و انصاف که به بررسی این پدیده‌ها در خانواده در سطح خرد مبادرت می‌ورزند، برعکس نظریه‌های کلان مثل آنومی و کارکردگرایی برای پژوهشگران حوزه خانواده و روان‌شناسان و مشاوران از عینیت بیشتری برخوردار بوده و ملموس‌تر هستند. لذا در ارزیابی‌هایی که در پژوهش‌ها صورت می‌گیرد، به دلیل همین عینیت و سادگی ظاهری، توجه بیشتری به آن‌ها شده و درمانگران حوزه خانواده ممکن است در درمان‌های خود به بررسی عواملی نظیر شرایط مالی و اقتصادی، سن ازدواج، مهارت‌های زناشویی و مواردی از این دست در بروز تعارضات و مشکلات خانوادگی پرداخته و از تأثیر عوامل سطح کلان غافل شوند.

شکل ۳ الگوی مفهومی از عوامل زمینه‌ساز و هسته مرکزی فرایند کم شدن استحکام خانواده متأثر از پدیده نوسازی را نشان می‌دهد.



شکل ۳- الگوی مفهومی از عوامل زمینه ساز و هسته مرکزی فرایند کم شدن استحکام و

پایداری خانواده متأثر از پدیده نوسازی



پیامد نهایی: رشد مصداق‌های گسست در خانواده شامل تعارضات فراینده زناشویی، خیانت، طلاق عاطفی و طلاق قانونی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تبیین الگوی فرایند شکل‌گیری عوامل گسست در خانواده ایرانی، متأثر از فرایند نوسازی بود تا از این طریق به ارائه‌ی الگوی مفهومی از عوامل علی، پدیده‌های هسته‌ای و پیامدهای مؤثر در این امر پردازیم. به همین منظور از روش تحقیق کیفی از نوع فراترکیب، به بررسی این موضوع پرداختیم. نتایج حاصل از مطالعه انجام‌شده در مورد تبیین الگوی فرایند شکل‌گیری عوامل گسست در خانواده ایرانی، نشان داد که نهاد خانواده در ایران در چند دهه اخیر عمدتاً به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه نوسازی و مدرنیته دستخوش تغییرات مهمی شده که این تغییرات چالش‌های مهمی را در برابر خانواده سنتی در ایران قرار داده است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۲). به این ترتیب که به

جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی متأثر از فرایند نوسازی و مدرنیته، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی، تحولاتی در ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام مند با تغییرات در نظام اجتماعی کل یا به عبارت دیگر انطباق با شرایط اجتماعی به وجود آمده است؛ که نتیجه آن هم ایجاد تغییرات در درون ساختار خانواده با محوریت ارتباط شده و هم دچار تغییرات برون ساختاری با محوریت و فرهنگ و بافت گشته است (اسلام زاده، اسمعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶) که به تبع - علی رغم تأکیدات دین مبین اسلام مبنی بر تحکیم بنیان خانواده و قداست آن و به تبع، سیاست های نظام جمهوری اسلامی ایران در این خصوص که در قوانین و اسناد ملی همچون قانون اساسی و سند چشم انداز ملی و دیگر قوانین، عینیت یافته است - تزلزل و کم شدن استحکام خانواده ایرانی با رواج روزافزون مصداق های تزلزل در نهاد خانواده مثل طلاق و جدایی، طلاق عاطفی، خیانت و کم تعهدی زناشویی و تعارضات شدید زناشویی بوده است که زمینه بروز و افزایش نرخ آسیب های اجتماعی دیگر همچون اعتیاد، خودکشی، افزایش تعداد خانواده های با سرپرست زن، افسردگی و اختلالات شخصیتی در فرزندان طلاق و زنان مطلقه و مواردی از این دست را به وجود آورده (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۳).

باهدف درک و فهم فرایند شکل گیری این پدیده، پژوهش حاضر نشان داد زمانی که کارکرد اصلی و اختصاصی خانواده که همان کارکرد جنسی و عاطفی و امنیت بخشی روانی به اعضا می باشد، متأثر از یکسری عوامل کلان که "تغییرات ساختاری، ارزشی و معنایی" در خانواده شناسایی شد؛ در تعامل با عوامل سطح خرد که شامل دو پدیده اصلی "عدم آگاهی و مهارت های پس از ازدواج" و "عدم آگاهی و صلاحیت های پیش از ازدواج" می باشد، دچار اختلال شود؛ به مرور زمان شاهد ایجاد و شکل گیری مصداق های تزلزل در خانواده یعنی تعارضات فزاینده زناشویی، خیانت و بی تعهدی زناشویی، طلاق عاطفی و در نهایت طلاق رسمی و فروپاشی خانواده خواهیم بود.

چنانچه در این زمینه ملکی فاراب و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند در خانواده تراز اسلامی از منظر آیات و روایات، میان سه بعد "پیش‌زمینه‌های تشکیل خانواده"، "ساختار خانواده" و "کارکردهای خانواده" ارتباط دوسویه و درهم‌تنیده‌ای وجود دارد که توجه به کارکردهای حمایتی و عاطفی خانواده در متون دینی از توجه بیشتری برخوردار است که این یافته‌ها همسو با نتایج تحقیق حاضر است.

در این میان یکسری متغیرها به‌عنوان تسهیل‌کننده به این فرایند سرعت بخشیده و زمینه شکل‌گیری آن را آسان‌تر می‌کنند که شامل عدم آگاهی پیرامون قدرت گفتمان‌های غالب^۱ در خلق تجارب جدید ارزشی، معنایی و حتی ساختاری است. در جهت تبیین این یافته‌ها می‌توان این‌گونه توضیح داد که؛ خانواده به‌عنوان یکی از نهادهای زیربنایی و بنیادین ساختار اصلی جامعه به‌عنوان یکی از خرده نظام‌های نظام اجتماعی کل، همواره کارکردهای مهمی را جهت بقای نظام و حفظ ارزش‌ها و هنجارها برای نظم و تعادل در جامعه دارا بوده است. تالکوت پارسونز^۱ یکی از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی در حوزه خانواده در این زمینه بر اهمیت خانواده و حفظ ثبات جامعه و سلامت افراد از طریق تمرکز بر روی کارکردهای مثبت خانواده مانند کارکردهای اقتصادی، کارکردهای تربیتی و جامعه‌پذیری، کارکرد تنظیم روابط جنسی و تولیدمثل و کارکرد عاطفی و تأمین عشق و محبت و امنیت روانی برای اعضا تأکید می‌کند و اعتقاد دارد امروزه خانواده برخلاف گذشته، تمام کارکردهای اجتماعی و اقتصادی خود را با سپرده شدن آن به نهادهای دولتی و اجتماعی از دست داده و با کاهش کارکردهای خانواده به کارکردهای مشخص و اختصاصی مثل تنظیم روابط جنسی و تأمین عشق و محبت و امنیت برای اعضا روبرو است (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶).

1. Parsons, T

در همین راستا هلموت شلسکی^۱ یکی دیگر از نظریه‌پردازان علوم اجتماعی دو قانون ثبات خانواده مدرن را این‌گونه توضیح می‌دهد که اولاً هراندازه که در خانواده بقایای کارکردهای نهادی بیشتر باقی‌مانده باشد و دوماً هراندازه که این بقایای کارکردی در خانواده از طرف شخصیت اعضا درونی گردد، خانواده استحکام و ثبات بیشتری خواهد داشت (اعزازی، ۱۳۸۹).

چنانچه یافته‌های پژوهش در این زمینه نشان داد ظهور نیروهای جدید اجتماعی متأثر از فرایند نوسازی و مدرنیته که به دنبال تحولات بنیادین در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌باشد؛ باعث دگرگونی‌های ساختاری در خانواده و به تبع آن کارکردهایش شده است. به گونه‌ای که ارزش‌ها و معناهای خانوادگی نیز در حال تغییر بوده و مدرنیته نظم جدیدی را زمینه‌ساز شده که در سبک زندگی، عادات، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر و معناهای ذهنی افراد تحولانی را ایجاد کرده است که هم‌راستا با یافته‌های تحقیق جهانی دولت‌آباد و حسینی (۱۳۹۳) است.

در همین راستا امیل دورکیم^۲ (۱۹۶۶) نیز در نظریه آنومی اجتماعی خود این‌چنین بیان کرد که در جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به شرایط دیگر هستند، مشکلاتی به وجود می‌آید که نتیجه تصادم نوگرایی و پایبندی به سنت‌های پیشین است. در این حالت شرایط آنومیک به معنای فقدان هنجار به دلیل عدم اجماع در مورد اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوهای رفتاری مناسب برای افراد پدید می‌آید که باعث برهم خوردن تعادل و نظم پیشین جامعه در چنین شرایط گذار و دگرگونی می‌شود؛ که پیامد آن بروز آسیب‌های اجتماعی مثل طلاق و خودکشی خواهد بود که در پی تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت تغییر انتظارات و توقعات رخ می‌دهد. به این ترتیب که این شرایط دگرگونی و گذار منجر به کم‌رنگ شدن تدریجی ضوابط اخلاقی شده و جامعه

1. Schelsky, H

2. Durkheim, E

کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. در این زمان بسیاری از انسان‌ها دچار سردرگمی پیرامون قواعد و ارزش‌ها شده و همین ازهم‌پاشیدگی ارزش‌ها، هنجارها و آنومی وضعیتی ایجاد می‌کند که نتیجه آن آرزوها و امیال بی‌حد و حصر و روبه‌فزونی است و لذا نارضایتی و ازهم‌پاشیدگی خانواده ظهور می‌کند.

دورکیم (۱۹۶۶) در توضیح این فرایند بیان کرد که در این زمان ارزش‌های جامعه بر لذت طلبی^۱، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی^۲، ماده‌گرایی^۳ و ابزارگرایی استوارند و انسان‌ها به مصالح فردی خود می‌اندیشند و در چنین شرایطی همه‌چیز در چارچوب امور مادی و ملموس خلاصه می‌شود و ارتباطات انسانی نیز از این شرایط تأثیر پذیرفته از بعد معنوی و فرامادی خالی می‌شود؛ که البته این نوع از روابط بسیار شکننده بوده و به محض آنکه مصلحت‌گرایی و یا عوامل دیگر روی کند، رابطه‌ها گسسته شده و رابطه زوجیت نیز از این قاعده مستثنی نیست.

در این زمان فردگرایی به‌عنوان هسته اصلی تغییرات ارزشی و معنایی در خانواده که باعث کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت خود می‌شود؛ تلقی گشته و ارتباطات و تعاملات بین فردی را به شدت تحت تأثیر خود قرار داده و آن را متحول می‌کند. به گونه‌ای که مدرنیته باعث انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی شده و انسان‌ها در اجتماع و اعضا در یک خانواده، به صورت مجزا به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی بوده و دغدغه‌های شخصی به مصالح جمعی و خانوادگی اولویت یافته و تغییر در ایده افراد به سمت مادی‌گرایی، فردگرایی، انزواطلبی و نسیت پیش می‌رود که نتیجه آن این می‌شود که خانواده محوری به فرد محوری تبدیل شده است؛ و به تبع آن نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید صورت گرفته که نتیجه آن ایجاد تغییرات

-
1. Hedonism
 2. Utilitarianism
 3. Materialism

ناکارآمدی در خانواده و اعضای آن بوده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹) که یافته‌های تحقیق حاضر نیز مؤید این مطلب است.

علاوه بر این یافته‌های این پژوهش نشان داد که دو کد محوری "تغییر نگرش نسبت به جدایی و طلاق" و "تغییر نگرش نسبت به جایگاه و نقش عاطفی و حمایتی زن در خانواده" به دنبال تغییرات ساختاری ایجاد شده، به عنوان هسته اصلی تغییرات ناکارآمد معنایی در نهاد خانواده بوده است؛ که البته این تغییرات در الگوهای خانواده در این دوره را می‌توان در قالب گفتمانی با عنوان "پارادایم توسعه" مورد بررسی و تحلیل قرارداد. به گونه‌ای که چنین تغییراتی به صورت طبیعی، یکنواخت، ضروری و جهت‌دار در نظر گرفته شده (تورنتون، ۲۰۰۱) و جوامع فردگرای غربی به عنوان معیاری برای سنجش توسعه یافتگی قرار داده شدند تا از طریق مقایسه میزان دستیابی به معیارهای تعیین شده، میزان "توسعه یافتگی" یا "عقب ماندگی" مشخص شود.

در همین راستا تئوری ایده نالیسم توسعه^۲ (DI) نیز در جریان اخیر نوسازی در مورد بسته‌ای از ایده آل‌ها برای خانواده در جهان شیوع یافته و به عنوان نیروی اصلی تغییرات معنایی و ارزشی خانواده، رو به گسترش و گفتمان سازی می‌باشد (تورنتون، ۲۰۰۵). این نظریه دلیلی را برای اینکه چرا مردم شرایطشان را دوباره تعریف می‌کنند و در نتیجه بر طبق ارزش‌ها و پیش‌بینی‌های جدید عمل می‌کنند، ارائه می‌دهد.

در این حالت گفتمان سازی فراگیر و گسترده پیرامون حقوق خود تحقق بخشی^۳ و آزادی انتخاب فرد، توسعه شخصیت و شیوه‌های زندگی که خود را در نحوه تشکیل خانواده و نگرش نسبت به فرزند آوری و انگیزه پدر و مادر شدن و همسر داری بازتاب داده؛ باعث تغییرات بنیادین در ارزش‌ها و نگرش‌ها و گسترش ایده‌های پست ماتریالیستی

-
1. Developmental Paradigm
 2. Developmental Idealism
 3. Self Fulfillment

(یعنی تأکید بر استقلال فردی و خود تحقق بخشی) از طریق رواج ایده‌هایی نظیر "طلاق خوب بهتر از ازدواج بد است"، گشته و این‌ها را راه‌حل اساسی تغییرات نوین خانواده تلقی کرده است (عسگری ندوشن، ۱۳۸۸) که پیامد آن کم‌رنگ شدن ارزش مادری و همسری در میان زنان بوده و مبتنی بر یافته‌های تحقیق، زمینه‌ساز رشد مصداق‌های گسست در خانواده به دلیل تغییرات معنایی و ارزشی ایجاد شده خواهد شد.

وستوف (۱۹۷۸) در این زمینه مطرح می‌کند که تحولات نهادهای ازدواج و خانواده نشانه‌ها و نمادهایی از تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند؛ و تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه مرتبط با کاهش اقتدار سنتی، اشاعه و گسترش فردگرایی، آموزش همگانی برای هر دو جنس، افزایش برابری جنسیتی، اشتغال زنان، استقلال مالی و ترویج و گسترش فرهنگ مصرف می‌باشد (ویکز، ۲۰۰۲). همین امر تغییرات گسترده ساختاری، ارزشی و معنایی را برای خانواده در پی داشته و بر الگوها و ملاک‌های انتخاب همسر و سبک زندگی خانوادگی‌اش تأثیر بسزایی گذاشته است زیرا با وجود این تغییرات، افراد از قدرت بازاندیشی بیشتری برخوردار شده و مکانیسم‌هایی که رهایی از سنت‌ها را امکان پذیر می‌کند، زمینه رهایی روابط اجتماعی و بین فردی را نیز از شرایط و محدودیت‌های اجتماعی و خانوادگی گسترش می‌دهند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹).

در این گفتمان سازی جدید و رواج یافته دیده می‌شود که ارزش‌های خود تحقق بخشی اساس تغییرات در خانواده به شمار می‌رود و آزادی، عقلانیت، رقابت، خوداتکایی و کم‌رنگ شدن جهان‌بینی‌های دینی به‌عنوان ارزش‌های افراد در زندگی خانوادگی مورد قبول واقع شده که پیامد آن تزلزل در نهاد خانواده بوده است؛ بنابراین فارغ از داوری ارزشی و هنجاری درباره سمت‌وسوی تحولات خانواده، باید با این تحولات برخوردی واقع‌بینانه داشته باشیم و خود را برای نحوه مناسب مواجهه با تحولات خانواده آماده کرده و

برنامه‌ریزی‌های لازم را در این زمینه اتخاذ کنیم؛ که همین امر، در گام و شکل اول لزوم مداخله و ورود متصدیان فرهنگی کشور در سطح کلان برای گفتمان سازی‌های جدید پیرامون معناهای کاربردی برای شکل‌گیری خانواده پایدار ایرانی و روان‌شناسان و مشاوران متعهد و دلسوز در جهت آگاه‌سازی پیرامون این روند و کاربرد روی ارزش‌ها و معناهای ثبات‌بخش به نهاد خانواده حول تغییر نگرش سازنده نسبت به جدایی و طلاق" و "تغییر نگرش سازنده نسبت به جایگاه و نقش عاطفی و حمایتی زن در خانواده" را نشان می‌دهد.

زیرا چنانچه بیان کردیم امروزه مدرنیته نظم جدیدی را زمینه‌ساز شده که در سبک زندگی، عادات، ارزش‌ها و شیوه‌های تفکر و معناهای ذهنی افراد تحولاتی را ایجاد کرده است و به تبع آن ارزش‌ها و معناهای خانوادگی نیز در حال دگرگونی می‌باشد. در چنین شرایطی ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارهایی که الزامات و نیازهای ساختار جدید را تأمین می‌کند، به وجود آمده و الگوهای جدید زندگی با سبک‌های خاص خود در حال ظهور است؛ و در این راستا نقش رسانه‌ها بسیار مهم می‌شود.

گیدنز در این زمینه نقش رسانه‌ها را در فرایند نوسازی و جهانی شدن بسیار مؤثر دانسته و آن را ابزار بسط و گسترش مدرنیته و ارزش‌های حاکم بر آن به تمام دنیا می‌داند که توانسته است با تسهیل و سرعت بخشی ارتباطات فردی و گروهی، فضای جهانی را متحول کند و از مرزهای زمانی و مکانی بگذرد (گیدنز، ۱۹۹۰) که این کار را از راه‌های انتقال ضمنی و نمادین پیام‌ها به خانواده در روند بازتولید فرهنگی، با انتخاب اینکه چه عناصری از فرهنگ را انتقال دهند، انجام می‌دهند (فیسک و هارتلی^۱، ۲۰۰۳). به این معنا که متون رسانه‌ای با نحوه بازنمایی خود از الگوهای تبدلی درون نظام خانواده می‌توانند باعث ایجاد

1. Fiske, J & Hartley, J

ارزش‌ها، معناها و یا سبک‌های زندگی خاصی و یا برعکس حذف و به حاشیه راندن الگو یا ارزش یا سبک تفکر و زندگی دیگری شوند.

هال^۱ (۱۹۹۷) یکی از چهره‌های شاخص مطالعات فرهنگی در این زمینه معتقد است که بازنمایی یک عمل برساختی است که می‌توان آن را از خلال نگاه به زبان به مثابه رسانه محوری که در چرخه فرهنگ و اجتماع شکل می‌گیرد و معانی به وسیله آن تولید و بازتولید و گفتمان سازی می‌شوند، بررسی کرد.

بر طبق نظریات گفتمان سازی لاکلا و موف^۲ (۱۹۸۵) چگونگی تبدیل شدن یک گفتمان به تسلط فرهنگی یا هژمونی فرهنگی^۳ از طریق تبدیل آن گفتمان به تصور اجتماعی^۴ باید صورت گیرد که برای این منظور از دو ابزار "برجسته‌سازی" و "حاشیه رانی" اقدام به اسطوره‌سازی در پدیده مورد نظر می‌شود. اسطوره نیز برای فراگیر شدن باید خود را عام و جهان‌شمول و پاسخ‌گوی همه نیازها و تقاضاهای موجود در جامعه نشان دهد و شکل آرمانی و استعاری به خود بگیرد. بدین شکل اسطوره‌ها با ایجاد یک فضای استعاری و آرمانی به تصور اجتماعی تبدیل می‌شوند؛ که البته برای تبدیل اسطوره به یک تصور اجتماعی علاوه بر نیاز به خلق فضای استعاری دو شرط "قابلیت دسترسی" به آن گفتمان، به معنای در دسترس قرار گرفتن ساده در زمینه^۵ و موقعیت افکار عمومی و "قابلیت اعتبار" به معنای سازگاری اصول پیشنهادی گفتمان با اصول بنیادین جامعه، از اهمیت بالایی برخوردار است (سلطانی، ۱۳۸۴).

در این زمینه رسانه‌های عمومی مثل سینما، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهای تحقق بخشی سیاست‌های فرهنگی در سطح جامعه به دلیل داشتن هر دو شرط در

1. Hall, S

2. Laclau, E & Mouffe, C

3. Cultural Hegemony

4. Social Imagination

دسترس قرار دادن کردارهای زبانی و غیرزبانی در سطح جامعه و اعتبار بخشیدن به آن‌ها زمینه گفتمان‌سازی و تبدیل آن به هامونی فرهنگی را بر عهده دارند.

کردارهای زبانی و غیرزبانی مهم‌ترین بازوی "برجسته‌سازی" و "حاشیه رانی" گفتمان‌ها به حساب می‌آیند. در این میان نقش کردارهای زبانی که محمل عمده آن کالاهای فرهنگی مثل سینما، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی است، بسیار اثرگذار می‌باشد. با این حال به نظر می‌رسد بخش عمده کردارهای زبانی گفتمان فرهنگی در جامعه ایران که انتظار می‌رود از طریق دستگاه رسمی فرهنگی به اجرا در آید، به عنوان ضد گفتمان رسمی فرهنگی عمل می‌کند و ارزش‌ها، معانی، سبک‌های تفکر و زندگی‌های خاص خانوادگی را رواج و برجسته‌سازی می‌کند که در گذشت زمان تغییرات ناکارآمد ساختاری، اخلاقی و ارزشی و به تبع آن اختلال در کارکردهای خانواده و کم شدن استحکام آن را باعث شده است.

که البته در کنار توجه به عوامل سطح کلان در بروز فرایند گسست در خانواده، توجه به عوامل سطح خرد نیز در این زمینه با اهمیت می‌باشد؛ زیرا در گذشته خانواده تنها مرجع انتقال مهارت‌ها و آگاهی‌ها بود؛ اما پیچیدگی اوضاع زندگی امروز و به دنبال آن کم‌رنگ شدن نقش خانواده در انتقال مهارت‌ها و عدم برنامه‌ریزی نهادها و سازمان‌های متولی، مانند رسانه‌ها و نظام آموزش و پرورش و بهداشت برای آن، خلأ جدی در این زمینه به وجود آورده است؛ که پیشنهاد می‌شود در کنار رویکردهای سیاست‌گذاری کلان در کشور، در جهت انطباق‌پذیری خانواده‌ها با شرایط ساختاری و گفتمان‌سازی پیرامون ارزش‌ها و معناهای استحکام‌بخش خانواده، آموزش‌های مشاوره‌ای پیش از ازدواج و پس از ازدواج به صورت گسترده و سازمان‌یافته از طریق نهادهای متولی مانند آموزش و پرورش و شبکه‌های سلامت و بهداشت و رسانه عمومی صداوسیما و با به‌کارگیری مشاوران و روان‌شناسان متعهد، دوره‌دیده و باتجربه در این زمینه؛ در اختیار خانواده‌ها قرار بگیرد.

منابع

- اسلام زاده، بابک؛ اسمعیلی، معصومه؛ کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۶). تحلیل کیفی بررسی نقش نوسازی جامعه همراه با رسانه‌های مجازی بر ساختار خانواده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۸(۳۱): ۱۳۳-۱۶۴.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: نشر سمت.
- بستان، حسین. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. تهران: نشر حوزه و دانشگاه.
- دورکیم، امیل. (۱۹۶۶). خودکشی. تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ دانش، پروانه؛ نازک تبار، حسین. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی فرایند نوسازی در ساختار خانواده (مقایسه نقاط شهری و روستایی استان مازندران). مطالعات راهبردی زنان. ۱۶(۶۱): ۹۷-۱۵۰.
- زاهدی، محمدجواد؛ نایی، هوشنگ؛ دانش، پروانه؛ نازک تبار، حسین. (۱۳۹۳). فرایند نوسازی و ظهور مسائل جدید در خانواده. مجله رفاه اجتماعی. ۱۵(۵۶): ۷-۳۸.
- زمانیان، علی. (۱۳۸۷). تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران. تهران: نشر معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ستوده، هدایت اله؛ بهاری، سیف اله. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی خانواده. تهران: نشر ندای آریانا.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش. فصلنامه علوم سیاسی، ۷(۲۸).
- عسکری ندوشن، عباس (۱۳۸۸). آرمان‌گرایی در توسعه و تغییر خانواده با تأکید بر متغیرهای جمعیتی در ایران، مطالعه موردی شهر یزد. پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر محمد جلال عباسی شوازی، گروه جمعیت‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

ملکی فاراب، ندا؛ شجاع نوری، فروغ الصباح، بستان نجفی، حسین؛ حسینیان، سیمین؛ لیبی، محمد مهدی و پور حسین، رضا. (۱۳۹۸). تدوین شاخص‌ها و ترسیم الگوی تراز اسلام (از منظر آیات و روایات قرآن) با بهره‌گیری از تکنیک پژوهش کیفی داده بنیاد. مجله فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. ۱۰(۴۰): ۲۹-۷۰.

- Edalati, A., & Redzuaun, M. (2010). *Perception of women towards family values and their marital satisfaction*. American Science, 6(4): pp 132-137.
- Fiske, J & Hartley, (2003). *Reading Television*. London. Rutledge Pub.
- Good, W. (1963). *World Revaluation and Family Patterns*. London. Glencoe.
- Hall, S. (1997). *Representation: Cultural Representation and Signifying practice*. London, Open University Press.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (1985). *Hegemony and socialist strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London, Verso.
- Lavner, J. A., & Bradbury, T. N. (2010). *Patterns of change in marital satisfaction over the newlywed years*. Journal of Marriage and the Family, 72: pp 1171-1187.
- Madathil, J., & Benshoff, J. (2008). *Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A Comparison of Asian Indians in Arranged Marriages and Americans in Marriages of Choice*. The family journal. 3: pp 222-230.
- Patterson, B., Thorne, S., Calnan, C., & Jillings, C. (2001). *Meta-study of qualitative health research: a practical guide to meta-analysis and meta-synthesis*. California: Sage.
- Thornton, A. (2001). *The developmental paradigm, reading history sideways*. Family Change, Demography, 38 (4): pp 449-465.
- Thornton, A. (2005). *Reading history sideways: the fallacy and enduring impact of the developmental paradigm on family life*, Chicago: the University of Chicago Press.
- Toren, N. (2003). *Traditional and Transition: Family Change In Israel*. Journal of Family Issues, 21.
- United Nations Economic and Social Affairs Population Division. (2003). *World fertility report*. New York: United Nations.
- Weeks, J.R. *Population: An Introduction to Concepts and Issues*, Wad worth.

منابع فراتحلیل

- ابراهیمی، سمیه؛ بنی فاطمه، حسین. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی و عوامل مرتبط با آن در شهرستان نقده. مطالعات جامعه‌شناختی. ۱۵(۷): ۷-۲۲.
- اجتهادی، مصطفی و واحدی، گلناز. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناخت پتانسیل خیانت در روابط زناشویی و عوامل مؤثر بر آن. مجله جامعه‌شناسی ایران. ۱۷(۴): ۱۰۵-۱۳۸.
- احمد دوست، حسین؛ جعفری سدهی، رضا؛ محمدی، شاهرخ؛ محمدی، رزگار. (۱۳۹۷). بسترها و پیامدهای طلاق در شهر رشت. تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۷(۳): ۳۰۹-۳۲۵.
- اسکافی، مریم؛ ترکمان، فرح؛ ساروخانی، نادر. (۱۳۹۴). اثر شبکه‌های اجتماعی بر طلاق عاطفی در شهر مشهد. مجله علوم اجتماعی. ۱۲(۱): ۲۲۵-۲۵۰.
- ایدر، نبی‌اله؛ مردانی، مرضیه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مرتبط با گرایش مردان متأهل به روابط خارج از چارچوب زناشویی. مجله دانشگاه آزاد واحد شوشتر. ۱۰(۴): ۱۴۵-۱۷۲.
- آزادی، شهدخت؛ سهامی، سوسن؛ قهرمانی، زهرا؛ قلی‌پور، گلناز. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان زن شرکت بهره‌برداری نفت گچساران. مجله زن و بهداشت. ۱(۳): ۱۰۱-۱۱۷.
- بشکار، سلطانه‌لی؛ سودانی، منصور؛ سهنی بیلاق، ملیحه. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش تعارضات زناشویی. دستاوردهای روان‌شناختی. ۱۹(۱): ۱۹۹-۲۲۶.
- پروین، ستار؛ داوودی، مریم؛ محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. مطالعات راهبردی زنان. ۱۴(۵۶): ۱۱۹-۱۵۳.

پورگنابی، حبیب؛ نازک تبار، حسین. (۱۳۹۰). عوامل طلاق در استان مازندران. مطالعات راهبردی زنان. ۵۳(۱۷).

جوادی، سولماز؛ زینالی، علی. (۱۳۹۷). آمادگی برای خیانت زناشویی: نقش شیوه‌های

تربیتی والدین و سبک‌های دلبستگی. خانواده پژوهی. ۱۴(۵۶): ۵۳۳-۵۴۸.

جهانی دولت آباد، اسماعیل؛ حسینی، علی. (۱۳۹۳). مطالعه جامعه شناختی علل و زمینه‌های

بروز تعارضات زناشویی در شهر تهران. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۵(۲).

چابکی، ام البنین و زارعان، منصوره. (۱۳۹۷). رابطه عوامل اجتماعی و خانوادگی با نگرش

زنان به طلاق در شهر قم. مجله زن و جامعه. ۹(۱): ۷۳-۹۶.

حاجی زاده میمندی، مسعود؛ مداحی، جوادی؛ کریمی، یزدان، حدت، الهه؛ غروری، ملینا.

(۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با طلاق عاطفی. مطالعات راهبردی زنان.

۱۱۸(۷۱): ۸۵-۱۰۸.

حبیبی عسگر آباد، مجتبی؛ حاجی حیدری، فاطمه. (۱۳۹۴). علل خیانت زناشویی از

دیدگاه زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده. فصلنامه خانواده پژوهی. ۱۱(۴۲).

خالقی، فرزانه؛ یزدخواستی، فریبا. (۱۳۹۲). رابطه نگرش مذهبی، تعهد اخلاقی و سبک

زندگی با وضعیت زناشویی (طلاق و عدم طلاق) در زنان و مردان اصفهان. مجله

اخلاق. ۳(۳۳).

خان محمدی، ذبیح اله؛ بزازیان، سعیده؛ امیری مجد، مجتبی و قمری، محمد. (۱۳۹۷). پیش

بینی طلاق عاطفی بر اساس نیازهای بنیادین روان شناختی، انتظارات زناشویی و

عملکرد خانواده. روانشناسی خانواده. ۵(۱): ۱۷-۳۰.

رازقی، نادر؛ اسلامی، احمد. (۱۳۹۴). مطالعه کیفی علت‌های تعارض در خانواده. مجله

فرهنگی تربیتی زنان و خانواده. ۵۳: ۳۲-۷۲.

- رضا زاده، محمد رضا؛ بهرامی احسان، هادی؛ فاضل، محدثه و فلاح، مریم. (۱۳۹۷). بررسی عوامل زمینه‌ای و علل مؤثر بر طلاق: یک تحلیل اکتشافی. مجله علوم روانشناختی. ۱۸(۷۱): ۷۶۵-۷۷۴.
- زارعی، حسن؛ یاور، نعیم. (۱۳۹۲). رابطه سرد مزاجی (به‌عنوان یک ناتوانی جنسی) و ابعاد تعارضات زناشویی. مجله مطالعات ناتوانی. ۳(۳).
- زکی یی، علی؛ علیخانی، مصطفی؛ خدادادی، کامران؛ کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۱). رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی زوجین. مجله مشاوره و روان درمانی خانواده. ش ۴.
- زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۴). رابطه تعهد زناشویی و ویژگی‌های شخصیتی. مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار. ۲۲(۵): ۷۸۸-۷۹۶.
- صلاحیان، افشین؛ صادقی، مسعود، بهرامی، فاطمه؛ شریفی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. مطالعات روان شناختی. ۶(۲).
- طاهری، رؤیا؛ آقا جانی، حسین؛ کلدی، علیرضا. (۱۳۹۶). واکاوی پدیده طلاق، ریشه‌ها و پیامدها در شهر تهران. مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۹(۲): ۱۳۹-۱۶۳.
- عطادخت، اکبر؛ هاشمی، جواد؛ جسارتی، علی. (۱۳۹۵). نقش میزان پابندی زنان خانواده‌ها به سبک زندگی اسلامی در پیش‌بینی تعارضات خانوادگی. پژوهش‌های اجتماعی انتظامی زنان. ۶: ۴۹-۶۶.
- عظیمی رستا، محمود؛ عابدزاده، مهرناز. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر بروز طلاق عاطفی میان زوجین در خانواده. مطالعات جامعه‌شناختی ایران. ۳(۱۰): ۳۱-۴۶.
- غلام پور، عنایت؛ عبدالله زاده، حسن. (۱۳۹۶). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، الگوهای ناسازگار اولیه و خوش‌بینی و بدبینی با توجیه خیانت زناشویی در افراد متأهل. نشریه روان پرستاری. ۵(۲): ۸-۱۴.

- فخری، مریم؛ مهدویان فرد، راحله و کیمیایی، علی. (۱۳۹۷). *پیش بینی احتمال طلاق زنان بر اساس سبک دلبستگی اجتنابی، اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده*. فرهنگ مشاوره و روان درمانی. ۹(۳۳): ۲۰۷-۲۲۲.
- فولادی، اصغر؛ شاه نعمتی، نوید. (۱۳۹۴). *بررسی علل طلاق در استان آذربایجان شرقی*. مجله جامعه پژوهی فرهنگی. ۶(۲): ۸۹-۱۱۳.
- کاملی، محمد جواد. (۱۳۸۶). *بررسی توصیفی علل و عوامل مؤثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در ایران با توجه به آمار و اسناد موجود*. مجله دانش انتظامی. ۹(۳).
- کریمی، جهانگیر؛ زکی یی، علی؛ محمدی، امید؛ حق شناس، شریفه. (۱۳۹۴). *نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش بینی نگرش به روابط خارج از چارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط*. مطالعات اجتماعی و روان شناختی زنان. ۱۳(۳): ۱۲۹-۱۵۲.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکر، پیام؛ جواهری، جلوه. (۱۳۹۰). *مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران*. مطالعات راهبردی زنان. ۱۴(۵۳): ۱۲۹-۱۶۲.
- کنجی، محمد؛ نیازی، محسن؛ ملک پور، علیرضا. (۱۳۹۴). *بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی بر از هم گسیختگی خانواده در شهرکرد*. مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران. ۴(۱): ۱۶۷-۱۹۴.
- محسن زاده، فرشاد؛ نظری، علی محمد؛ عارفی، مختار. (۱۳۹۰). *مطالعات کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق*. مطالعات راهبردی زنان. ۳(۵۳).
- هنریان، مسعود؛ یونسی، جلال. (۱۳۹۰). *بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران*. مطالعات روان شناسی بالینی. ۱(۳): ۱۲۵-۱۵۳.
- یزدانی، عباس؛ حقیقتیان، منصور؛ کشاورز، حمید. (۱۳۹۲). *تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی*. مجله راهبرد اجتماعی فرهنگی. ۲(۶): ۱۵۹-۱۸۵.